

■ پس از رشدهای منفی ۶/۸ درصد و ۱/۹ درصدی سال‌های ۹۱ و ۹۲ دولت یازدهم توانست برای چهار فصل پیاپی نرخ رشد اقتصادی کشور را مثبت کند، اما در سال جاری این رشد مثبت ادامه پیدا نکرد و دوباره منفی شد. چه عواملی باعث شد تا روند مثبت رشد اقتصادی ادامه دار نباشد؟

همان‌طور که اشاره کردید اقتصاد ایران در سال‌های ۹۱ و ۹۲ با رشد منفی مواجه شده بود ولی در سال ۹۳ با توجه به جهت‌گیری برنامه‌های اقتصادی و هدایت منابع مالی به سمت تولید با هدف پرکردن ظرفیت‌های خالی این بخش، گشایش‌های زیادی در عرصه اقتصادی ایجاد شد. در کنار آن بهبود وضع صادرات و تولید نفت نیز به این شرایط کمک کرد و بدین ترتیب بر خلاف سال‌های قبل که بجز بخش کشاورزی رشد تمام بخش‌ها منفی بود در سال گذشته رشد تمام بخش‌های اقتصادی مثبت شد.

در واقع دولت به‌دروستی اولویت‌های اقتصادی را انتخاب کرد و همزمان با سیاست مهار تورم با هدایت منابع بانکی به سوی بخش‌های مولد اقتصاد و تولید، رکود نیز کمرنگ شد. اما اینکه چرا در سال جاری همانند سال ۹۳ رشد اقتصادی حاصل نشد دلایل مختلفی دارد که مهم‌ترین آن افت شدید قیمت نفت است.

به هر حال این یک واقعیت است که اقتصاد ایران به بخش نفت وابستگی دارد و بسیاری از بخش‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم به درآمدهای نفتی وابسته است. البته براساس تأکیدات رهبر معظم انقلاب اقتصاد ایران باید در جهت کاهش وابستگی به نفت گام بردارد، ولی قدر مسلم با توجه به ساختاری بودن این وابستگی، مشکل در کوتاه مدت قابل برطرف کردن نیست و به برنامه‌ریزی بلند مدت نیاز دارد.

بنابراین به‌واسطه افت شدید قیمت نفت درباراِزارهای جهانی از فصل آخر سال ۹۳ تاکنون درآمدهای دولت نیز کاهش یافت. با توجه به اینکه درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت با تأخیر به خزانه واریز می‌شود در فصل آخر سال ۹۳، نمود زیادی نداشت هرچند که در این فصل نیز رشد اقتصادی که در فصول قبل بالای ۳ درصد بود به ۰/۶ درصد رسید.

در سال جاری محدودیت‌هایی که از ناحیه کاهش قیمت نفت برای دولت ایجاد شد باعث شد تا درآمدها و بودجه دولت و اعتباری که به طرح‌های عمرانی تخصیص داده می‌شد، تحت تأثیر قرار گیرد.

همچنین با تداوم رکود در بخش مسکن نیز صنایعی که با این بخش مرتبط بودند نظیر فولاد و مصالح ساختمانی باکاهش شدیدی تقاضا و انباشته شدن محصولات در انبارها مواجه شدند. موضوع دیگری که به‌عنوان یک عامل مهم در ایجاد رکود باید نام ببرد به تأخیر افتادن بخشی از تقاضای موجود به‌دلیل نپایای شدن توافق هسته‌ای بود. دستیابی به این توافق موجب شد تا بسیاری تقاضای خود را به امید آزران شدن به آینده موکول کنند.

علاوه بر این معضل کمبود نقدینگی در شبکه بانکی و ظرفیت پایین آنها برای تأمین نیاز مالی بخش تولید که خود را در نرخ‌های سود بانکی بالا نشان داد، این شرایط را تقویت کرد.

■ **بدین ترتیب عمده عواملی که در بازگشت رکود تأثیر داشتند، عوامل برون‌زا بودند؟**

در مجموع و با جمع‌بندی تمام عواملی که در رکود مؤثر بودند، باید گفت عمده دلایل برون‌زا بود. اقتصاد ایران نیز اقتصادی نسبتاً باز محسوب می‌شود و از تحولات جهانی تأثیر می‌پذیرد، البته کاهش رشد اقتصادی در این دوره تنها مختص اقتصاد ایران نبود و تمام کشورهای صادر کننده نفت و مواد اولیه دچار کندی و افت رشد اقتصادی شدند.

با شوقی که به بازار جهانی نفت وارد شد، افت درآمد و رشد اقتصادی ایران غیر قابل انتظار نبود، اما اینکه میزان تأثیرپذیری از آن چقدر است به میزان وابستگی به نفت بستگی دارد. بر همین اساس اهمیت اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و شرایط فعلی بیشتر نمایان می‌شود تا از این طریق ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد بتدریج تکیه اقتصاد به نفت کاهش یابد. شوک افت قیمت نفت در شرایطی اتفاق افتاد که مشکل محدودیت‌های تحریم نیز در جای باقی نمانده بود و دسترسی کشور را به بخشی از ابزارها از بین برده بود.

■ **براساس گفته‌های شما اقتصاد ایران، اقتصادی به نسبت باز است که از تحولات جهانی تأثیر می‌پذیرد و به همین دلیل در سال جاری رکود بازگشت. این در حالی است که در سال ۹۳ عکس آن رخ داد. بر خلاف کندی رشد اقتصاد جهانی و بسیاری از کشورها، رشد اقتصاد ایران افزایش قابل توجهی را تجربه کرد.**

اینکه در سال ۹۳ با جهش نسبی رشد اقتصادی مواجه شدیم به‌چند دلیل بود که یکی ظرفیت های خالی مانده سال‌های ۹۱ و ۹۲ بود که بر شدن آنها باعث افزایش تولید شد. از سوی دیگر در آن مقطع انتظارات جامعه و امید به آینده بسیار مثبت شده بود. بدین ترتیب ایجاد ثبات و آرامش در اقتصاد و پیش‌بینی پذیری برای فعالان اقتصادی کمک زیادی به اقتصاد کرد. همچنین سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت نیز که رویکرد صحیحی داشت در این زمینه مؤثر بود.

البته تأثیرپذیری از تحولات جهانی بدان معنا نیست که این تحولات در تمام بخش‌ها و برای تمام کشورها یکسان است. ایران به‌عنوان یک صادر کننده نفت طبیعی است که از تغییر قیمت نفت متأثر شود. بر همین اساس در شرایطی که سال ۹۳ بسیاری از کشورها در رکود به سر می‌بردند، بهبود شرایط بازار صادرات نفت ایران به رشد اقتصادی کشورمان کمک کرد.

ولی در شرایط امروز این تأثیرپذیری بر عکس شده است. یعنی به‌دلیل اینکه قیمت نفت کاهش یافته آثار منفی برای ما به همراه داشته و برای مصرف کننده‌های نفت تبعات مثبت داشته است.

■ **دولت چگونه به این نتیجه رسید که برای عبور از شرایط بحران بسته ضد رکود را تدوین و اجرا کند؟ چه تصمیمی برای از بین رفتن دستاوردها در زمینه مهار نرخ تورم وجود دارد؟**

آنچه در هیأت وزیران مورد توافق قرار گرفت این بود که این بسته کوتاه مدت و برای یک دوره شش ماهه اجرایی شود. در کنار آن دولت هیچگاه از برنامه مهار تورم عقب‌نشینی نکرده است و همچنان آن را دنبال می‌کند.

یکی از نکات دیگر این بسته برگشت پذیری سیاست‌های آن است. به این معنا که هرگاه احساس شد نیازمند بازنگری یا اصلاح است، این کار انجام شود.

در مجموع دولت به این نتیجه رسید که با توجه به انباشت کالا در انبار واحدهای تولیدی نیازمند تحریک تقاضا هستیم تا از این طریق چرخ واحدهای تولیدی دوباره به گردش درآید. البته برای دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار سیاست‌های مختلفی باید در کشور اجرا شود که بخش اعظم آنها به اصلاح ساختارهای اقتصادی مربوط می‌شود، ولی در این شرایط تحلیل‌ها بر این استوار بود که تحریک تقاضا می‌تواند به رفع مشکلات بخش تولید کمک کند.

■ **به‌طور دقیق چه مأموریتی به بانک مرکزی داده شد؟ تحریک تقاضا و تقاضای کل سیاست‌ها و اجزای مهم**



علی‌اکبر جمعی / ایران

گفت‌وگو با پیمان قربانی، معاون اقتصادی بانک مرکزی

برنامه مهار تورم متوقف نمی‌شود

برج ۲۰ طبقه بانک مرکزی در خیابان میرداماد تهران طی دو سال گذشته منشأ و کانون بسیاری از سیاست‌های اقتصادی دربخش سیاست‌های پولی بوده است. سیاست‌هایی که از کنترل و مهار تورم آغاز شد و اکنون با مدیریت و هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های خاصی از اقتصاد، هدف خروج اقتصاد از رکود را دنبال می‌کند. درشرایط حاضر بانک مرکزی اهدافی را به صورت توأمان پیگیری می‌کند اما ابزارهای آن نتایج عکس به همراه دارد. ازیک سو کاهش نرخ تورم ازطریق سیاست‌های انقباضی دردستور کار قرار دارد و از طرف دیگر برای خروج اقتصاد از رکود درقالب بسته ضد رکود نیازمند اجرای سیاست‌های انبساطی به نفع بقیه تولید هستیم. اما با یک رویکرد انبساطی و هدف‌گیری بخش‌های اقتصادی خاص برای تزریق منابع تاکنون این برنامه با موفقیت اجرا شده است. دراین میان بانک مرکزی که مأمور اجرای بخش عمده‌ای از بسته خروج از رکود شده همواره با نقدهایی روبه‌رو بوده است. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که اجرای بسته و پرداخت تسهیلات، دستاوردهای کاهش نرخ تورم را با خطر مواجه خواهد کرد و برخی دیگر معتقدند که این بانک تحت فشارهای بیرونی تن

به چنین برنامه‌ای داده است. این درحالی است که پیمان قربانی معاون اقتصادی بانک مرکزی در گفت‌وگو با «پران» به تمام این انتقادهای پاسخ می‌دهد. به گفته وی اجرای بسته ضد رکود که با پرداخت تسهیلات همراه بوده به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده است که کمترین آثار منفی را به دنبال داشته باشد. ضمن اینکه بانک مرکزی هیچ‌گاه از هدف کاهش نرخ تورم عقب نشینی نخواهد کرد. معاون بانک مرکزی تمام سیاست‌ها و طرح‌هایی را که طی ماه‌های اخیر دردستور کار این بانک قرار گرفته است درقالب یک پیکره می‌داند که یک هدف واحد را دنبال می‌کند. هدفی که درنهایت باید به خروج اقتصاد از رکود همزمان با کاهش نرخ تورم منجر شود. درهمین راستا، چرایی بازگشت رکود به اقتصاد ایران، دلایل اجرای بسته ضد رکود و پاسخ به ابهامات مطرح شده دراین باره، کاهش غیردستوری نرخ سود بانکی و دیدگاه بانک مرکزی درخصوص آن، جزئیات تخفیف نسبت سپرده قانونی بانک‌ها، تک‌رقمی شدن نرخ تورم نقطه به نقطه در آذرماه و چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال آینده مباحثی است که درخصوص آن با پیمان قربانی معاون اقتصادی بانک مرکزی به گفت‌وگو نشستیم.

دیگر سیاست‌های قیمتی است. بانک مرکزی اعتقاد دارد که برای اثرپذیری و مدیریت نقدینگی باید نرخ‌های سود بانکی کاهش یابد که هم‌اکنون به صورت افراطی بالاست. در واقع عواملی مانند مطالبات معوق، رکودبخش‌های اقتصادی، بی‌رونی بخش مسکن و... باعث شده است تا شبکه بانکی در یک تنگنای مالی قرار گیرد و برای رهایی از آن بانک‌ها به افزایش نرخ سود روی آورده‌اند. بنابراین نرخ سود بالا خود علت نیست و معلول عوامل دیگری است که برای کاهش و منطقی کردن آن باید علل آن را شناسایی کرد.

یکی دیگر از انعکاس‌های تنگنای مالی بانک‌ها بالا رفتن نرخ سود بازار بین بانکی است. زمانی که نرخ سود بانکی بالا می‌رود، اشخاری می‌دهد. هیچ‌کس به دنبال تحریف شاخص تورم نیست و این شاخص تنها کاربرد پیش‌نگر دارد.

درخصوص تورم اسمی و احساسی نیز باید گفت که در تورم یک سبد نمونه وجود دارد که متوسطی از کالا و خدماتی است که توسط یک خانوار مورد نیاز در طول یک ماه مصرف می‌شود. اما ممکن است کالاها و ضریب اهمیت کالاهایی که در یک خانوار مصرف می‌شود با کالاهایی که در سبد خانواده نمونه وجود دارد، تفاوت داشته باشد و برهمین اساس احساس خانوار نسبت به تورم نیز متفاوت است. از سوی دیگر دهک‌های مختلف طبقه الگوی مصرف مختلفی دارند بنابراین طبیعی است که تورم در هر دهک تفاوت داشته باشد. با این حال رویه‌هایی که بانک مرکزی برای محاسبه نرخ تورم مورد استفاده قرار می‌دهد براساس استانداردهای بین‌المللی است و علاوه بر این آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی از طریق نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول مورد پایش قرار می‌گیرد.

■ **به‌طور معمول حدود دو تا سه ماه پس از کاهش نرخ تورم نقطه به نقطه، نرخ تورم میانگین ۱۲ ماهه نیز افت می‌کند؟ به‌طور دقیق نمی‌توان گفت که دو یا سه ماه پس از افت یا رشد تورم نقطه‌ای، تورم ۱۲ ماهه نیز تغییر می‌کند، این تغییر به روند و سرعت این تغییرات بستگی دارد. بنابراین هر چه سرعت کاهش یا افزایش نرخ تورم نقطه به نقطه بیشتر باشد در فاصله کوتاهی نرخ تورم ۱۲ ماهه تغییر می‌کند.**

■ **براساس پیش‌بینی نهادهای معتبر بین‌المللی اقتصاد ایران در سال ۹۵ بین ۴ تا ۵/۵ درصد و طبق برآورد مسئولان داخلی تا ۶ درصد رشد خواهد داشت، با توجه به کاهش قیمت نفت و همچنین لغو تحریم‌های اقتصادی چه چشم‌اندازی برای اقتصاد ایران متصور هستید؟**

زمانی که بخواهیم تأثیر یک پدیده را در اقتصاد بررسی کنیم باید با فرض ثبات سایر شرایط باشد. برای اسان لغو تحریم‌ها و باز شدن آن از پای اقتصاد ایران به‌طور قطع آثار مثبتی برای اقتصاد ایران به همراه دارد که شامل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش تحرک شبکه بانکی، کاهش هزینه‌ها و در مجموع رشد تولید و اقتصاد می‌شود.

اما اینکه لغو تحریم‌ها تمام مشکلات اقتصاد ایران را حل کند این طور نیست چرا که برخی از مشکلات اقتصاد ایران مانند وابستگی به نفت ساختاری است که باید با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که هم اکنون در برنامه توسعه نیز متبلور شده دنبال و اصلاح شود. به‌طور حتم رفع تحریم‌ها فضایی در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌توانیم تمرکز بیشتری روی حل مشکلات ساختاری اقتصاد داشته باشیم و این به عنوان یک فرصت تلقی می‌شود.



آنچه در هیأت وزیران مورد توافق قرار گرفته این است که این بسته به صورت کوتاه مدت و برای یک دوره شش ماهه اجرایی شود.در کنار آن دولت هیچگاه از برنامه مهار تورم عقب‌نشینی نکرده است و همچنان آن را دنبال می‌کند.

یکی از نکات دیگر این بسته برگشت پذیری سیاست‌های آن است. به این معنا که هرگاه احساس شد نیازمند بازنگری یا اصلاح است، این کار انجام شود.

بدین ترتیب در قالب پرداخت تسهیلات به برخی از صنایع خاص که نیاز به حمایت داشتند در بخش خرید خودرو کالاهای بادوام بسته‌هایی به مرحله اجرا درآمد که عمده هدف آن از بین بردن مشکل انباشته شدن کالا در انبار تولیدکنندگان بود.

■ **یکی از ابزارهایی که در قالب بسته خروج از رکود به کار گرفته شد کاهش نسبت سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی است، این کاهش چه اهدافی را دنبال می‌کند.**

در سیاست پولی خروج از رکود دو بخش وجود دارد که یکی سیاست‌های عقلایی است که همین برنامه‌هایی است که در قالب بسته ضد رکود و اعطایی تسهیلات اجرا شد. اما بخش

برای این که ضمانت بیشتری برای اجرایی کردن این سیاست ایجاد شود، بانک مرکزی از ابزار نسبت سپرده قانونی بانک‌ها استفاده کرد، البته در این ابزار رویکرد مقداری نداشتیم و بر همین اساس طبق معیارهای مشخصی در خصوص کاهش

نسبت سپرده قانونی بانک‌ها اقدام شد. معیارهایی مانند رعایت مقررات بانکی، همکاری در ارائه اطلاعات و بویژه رعایت نرخ‌های سودبانکی مصوب شورای پول و اعتبار که برای هر یک از بانک‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و به آنها نمره داده شد. هم‌اکنون میزان کاهش نسبت سپرده قانونی هر یک از بانک‌ها مشخص و به آنها ابلاغ شده است.

البته براساس بخشنامه‌ای که به بانک‌ها ابلاغ شده است نظارت مستمر بر فعالیت آنها ادامه دارد و در مقاطع زمانی سه‌ماهه ارزیابی مجددی از عملکرد بانک‌ها انجام می‌شود و در صورتی که بانک‌ها مقررات را رعایت نکرده باشند سپرده قانونی آزاد شده پس گرفته می‌شود.

■ **کاهش نسبت سپرده قانونی برای هر بانک چه میزان بوده است؟**

در مجموع این ابزار تنها برای بانک‌های تجاری اعمال شده است چرا که بانک‌های تخصصی در حالی حاضر نیز از حداقل ۱۰ درصدی نسبت سپرده قانونی استفاده می‌کنند اما در بانک‌های تجاری که این نسبت ۱۳ درصد بود قرار شد که تا ۱۰ درصد کاهش یابد هم‌اکنون ارزیابی صورت گرفته و میزان تخفیف آنها در سپرده قانونی محاسبه و به آنها ابلاغ شده است.

■ **در صورتی که نرخ سود سپرده، ۲ تا ۴ درصد بالای تورم باشد براساس چشم‌اندازی که از تک‌رقمی شدن تورم در ماه‌های آتی وجود دارد، نرخ سود سپرده باید به حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد برسد. به نظر شما این رقم باعث کاهش جذابیت بانک‌ها برای جذب سپرده نمی‌شود و سرمایه مردم به بازارهای دیگر مهاجرت نمی‌کند؟**

به هیچ وجه. اولاً بانک مرکزی رویکردی که به نرخ سود بانکی دارد رویکرد تعادلی و ثبات مالی است. از سوی دیگر نرخ بازدهی در بازارهای مختلف نمی‌تواند تفاوت زیادی با هم داشته باشد. به این ترتیب هدف حفظ ارزش پول سپرده‌گذار به اضافه چنددرصد سود است. بنابراین در صورت در نظر گرفتن نرخ سود ۲ درصد بالاتر از تورم، نرخ سود ۲۲ درصد و ۱۰ درصد تفاوتی با هم ندارد و برابر است. در واقع کاهش منطقی نرخ سود بر مبنای تورم هیچ ظلمی به سپرده‌گذار نمی‌کند.

■ **البته در صورتی که سایر بازارها هم ثبات داشته باشد؟**

زمانی که نرخ تورم کاهش یابد نرخ بازدهی اسمی در تمام بخش‌های اقتصادی کاهش می‌یابد. وقتی نرخ تورم ۴۰درصد باشد بازدهی اسمی بازارها به همان نسبت بالا می‌رود و اگر این نرخ کاهش یابد بازدهی نیز افت می‌کند.

آنچه برای مقایسه بازارها اهمیت دارد، نرخ بازدهی واقعی است. در این زمینه بانک مرکزی بارها اعلام کرد که مخالف سرکوب مالی است و سپرده‌گذار از ناحیه سپرده‌گذاری در بانک نباید محضرر شود و نرخ سود تسهیلات هم نباید بسترساز رانت شود. بدین ترتیب سرکوب مالی است که باعث تاخلف در بازارها می‌شود، هر زمان که نرخ‌های سود بانکی منفی بود، و از نرخ تورم کمتر بود، نوسان بازارهای دیگر هم بیشتر شده است. وقتی نرخ سودبانکی منفی می‌شود مردم از پول ملی رویگردان می‌شوند و به سمت بازارهای مانند ارز و طلا هدایت می‌شوند.

با وجود این بانک مرکزی مخالف شوک درمانی در اقتصاد است و اعتقاد دارد که سیاست‌ها باید بتدریج و براساس شرایط اجرایی شود.

■ **نرخ تورم نقطه به نقطه (میزان تغییر نسبت به ماه مشابه سال قبل) پس از ۶۴ ماه در آذرماه اسمال تک‌رقمی شد، حال ضمن اینکه برخی این شاخص از تورم را زیر سؤال می‌برند یا تقسیم‌بندی تورم به اسمی و احساسی معتقدند که تنها نرخ تورم اسمی کاهش یافته است و تورم احساسی کم نشده است.**

در زمینه مهار نرخ تورم دولت دستاوردهای قابل قبولی داشته است. براساس آخرین آمار اعلامی نرخ تورم ۱۲ ماهه در آذرماه در مناطق شهری به ۱۲/۷ درصد و تورم نقطه به نقطه که میزان تغییر این شاخص را با ماه مشابه سال قبل اندازه‌گیری می‌کند به ۹/۴ درصد رسیده است.

تعریفی که برای تورم وجود دارد تنها یک تعریف واحد است که آن هم تورم ۱۲ ماهه است، اما نرخ تورم نقطه به نقطه در بسیاری از کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و به عنوان یک شاخص پیش‌نگر کارایی دارد. برای مثال اگر نرخ تورم نقطه به نقطه روند صعودی دارد نشان‌دهنده این است که نرخ تورم ماهانه بالا می‌رود و برعکس. بنابراین در ابتدا نرخ تورم نقطه به نقطه کاهش می‌یابد و سپس تورم ۱۲ ماهه کاهش می‌یابد که تغییرات آینده را نشان می‌دهد. هیچ‌کس به دنبال تحریف شاخص تورم نیست و این شاخص تنها کاربرد پیش‌نگر دارد.

درخصوص تورم اسمی و احساسی نیز باید گفت که در تورم یک سبد نمونه وجود دارد که متوسطی از کالا و خدماتی است که توسط یک خانوار مورد نیاز در طول یک ماه مصرف می‌شود. اما ممکن است کالاها و ضریب اهمیت کالاهایی که در یک خانوار مصرف می‌شود با کالاهایی که در سبد خانواده نمونه وجود دارد، تفاوت داشته باشد و برهمین اساس احساس خانوار نسبت به تورم نیز متفاوت است. از سوی دیگر دهک‌های مختلف طبقه الگوی مصرف مختلفی دارند بنابراین طبیعی است که تورم در هر دهک تفاوت داشته باشد. با این حال رویه‌هایی که بانک مرکزی برای محاسبه نرخ تورم مورد استفاده قرار می‌دهد براساس استانداردهای بین‌المللی است و علاوه بر این آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی از طریق نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول مورد پایش قرار می‌گیرد.

■ **به‌طور معمول حدود دو تا سه ماه پس از کاهش نرخ تورم نقطه به نقطه، نرخ تورم میانگین ۱۲ ماهه نیز افت می‌کند؟ به‌طور دقیق نمی‌توان گفت که دو یا سه ماه پس از افت یا رشد تورم نقطه‌ای، تورم ۱۲ ماهه نیز تغییر می‌کند، این تغییر به روند و سرعت این تغییرات بستگی دارد. بنابراین هر چه سرعت کاهش یا افزایش نرخ تورم نقطه به نقطه بیشتر باشد در فاصله کوتاهی نرخ تورم ۱۲ ماهه تغییر می‌کند.**

■ **براساس پیش‌بینی نهادهای معتبر بین‌المللی اقتصاد ایران در سال ۹۵ بین ۴ تا ۵/۵ درصد و طبق برآورد مسئولان داخلی تا ۶ درصد رشد خواهد داشت، با توجه به کاهش قیمت نفت و همچنین لغو تحریم‌های اقتصادی چه چشم‌اندازی برای اقتصاد ایران متصور هستید؟**

زمانی که بخواهیم تأثیر یک پدیده را در اقتصاد بررسی کنیم باید با فرض ثبات سایر شرایط باشد. برای اسان لغو تحریم‌ها و باز شدن آن از پای اقتصاد ایران به‌طور قطع آثار مثبتی برای اقتصاد ایران به همراه دارد که شامل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش تحرک شبکه بانکی، کاهش هزینه‌ها و در مجموع رشد تولید و اقتصاد می‌شود.

اما اینکه لغو تحریم‌ها تمام مشکلات اقتصاد ایران را حل کند این طور نیست چرا که برخی از مشکلات اقتصاد ایران مانند وابستگی به نفت ساختاری است که باید با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که هم اکنون در برنامه توسعه نیز متبلور شده دنبال و اصلاح شود. به‌طور حتم رفع تحریم‌ها فضایی در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌توانیم تمرکز بیشتری روی حل مشکلات ساختاری اقتصاد داشته باشیم و این به عنوان یک فرصت تلقی می‌شود.